



آندره مارتینه از زبان خود او

گیتی دیهیم

آندره مارتینه (André Martinet)، زبان‌شناس سرشناس فرانسوی و بنیان‌گذار مکتب «زبان‌شناسی نقش‌گرا» (Linguistique fonctionelle) در ماه ژوئیه ۱۹۹۹، در ۹۱ سالگی در پاریس درگذشت و خاکسترش روی دریاچه بورژه (Bourget) در ساووا (Savoie) پراکنده شد.

مارتینه در سال ۱۹۰۸ در ناحیه ساووا در فرانسه به دنیا آمد. از اوان کودکی با زبان فرانسه و گویش محلی آشنا شد. او بعدها علاقه زودرس خود به مسائل زبانی را ناشی از شرایط دوزبانگی در دوران کودکی خود دانست. یکی از اولین کارهای او توصیفی واج‌شناختی از زبان محلی همین ناحیه بود.

در دانشگاه زبانهای ژرمنی و زبان‌شناسی آموخت، و چون آرای خود را در زبان‌شناسی مشابه آرای مکتب پراگ یافت، از سال ۱۹۳۲ به بعد به مبادله نامه با تروبتسکوی پرداخت و با یاکوبسون آشنا شد. در همان زمان، مارتینه مقاله‌ای در مورد «خنثی‌شدگی و واج شامل» در جلد ششم پژوهشهای مجمع زبان‌شناسی پراگ به چاپ رساند. در همان زمان با لویی یلمسلف روابط دوستانه‌ای برقرار کرد، و تا حدودی در فراهم آوردن نظریه گلوسماتیک (بررسی مشخصات بنیادی) او مشارکت داشت.

رساله دکتری او در باب «تشدید تأکیدی در ژرمنی» بود، و پس از دفاع از آن به‌عنوان استاد واج‌شناسی در مدرسه مطالعات عالی در سوربن به کار پرداخت.

در سال ۱۹۴۶ سرپرستی پژوهشهای «انجمن بین‌المللی زبانهای معین» را در نیویورک به عهده گرفت، و در آنجا برای بار دوم با یاکوبسون مرتبط شد، و با زبان‌شناسانی چون سوادش، هویجر، هاس و پایک آشنایی برقرار کرد. در ۱۹۴۷ سرپرستی مجله *Word* را به عهده گرفت. در همین سال به ریاست گروه زبان‌شناسی دانشگاه کلمبیا منصوب شد، و در آنجا به تدریس زبان‌شناسی همزمانی و زبان‌شناسی در زمانی و تطبیقی زبانهای هندواروپایی پرداخت. تدریس این مواد به او امکان داد که طرح نظریه اقتصاد و پویایی زبان را بریزد که منجر به تألیف کتاب اقتصاد تحولات آوایی شد که در ۱۹۵۵ در سوئیس به چاپ رسید.

ظهور دستور زبان گشتاری-زایشی باعث شد که مارتینه را که معتقد به واقع‌گرایی در مسائل زبانی بود در مقابل یاکوبسون قرار دهد. آنها در بحثهای مکرر و طولانی خود به زمینه‌ای برای تفاهم نرسیدند، و مارتینه هرگز «دوقطبی‌گرایی» (binarisme) یا یاکوبسون را قبول نکرد.

مارتینه در ۱۹۵۵ به فرانسه بازگشت و در سوربن در کرسی زبان‌شناسی عمومی، و در مدرسه مطالعات عالی در کرسی زبان‌شناسی ساختاری به تدریس پرداخت. کتاب مبانی زبان‌شناسی عمومی که به سرعت به زبانهای متعددی ترجمه شد،^۱ محصول همین دوره است. در ۱۹۶۵ مجله زبانشناسی را به عنوان تریبون زبان‌شناسی نقش‌گرا پایه ریخت.

آندره مارتینه در ابتدا با کار در زمینه واج‌شناسی به همگان شناسانده شد، و حاصل این کار کتاب توصیف واج‌شناسی لهجه اوت ویل بود. اما پس از آن به زمینه‌های مختلف دیگری در زبان‌شناسی پرداخت، و همان‌طور که خواهیم گفت، در فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۶ چندین کتاب در این زمینه‌ها منتشر کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از مبانی زبان‌شناسی عمومی - که قبلاً از آن صحبت کردیم -، دستور زبان کارکردی فرانسه، فرهنگ تلفظ واقعی زبان فرانسه، نحو عمومی و از علفزارها تا اقیانوسها (درباره هندواروپاییان).

در ۱۹۷۴ اولین گردهمایی بین‌المللی زبان‌شناسی نقش‌گرا تشکیل شد که بعد از آن همه‌ساله در یکی از کشورها برپا شده است. در گردهمایی سال ۱۹۷۶ این مجمع تصمیم به تأسیس «انجمن بین‌المللی زبان‌شناسی نقش‌گرا» گرفته شد و مجله زبانشناسی به عنوان ارگان آن تعیین گشت.

در سال ۱۹۹۶ مارتینه دچار سکنه مغزی شد که اثرات آن، یعنی نارسایی در حرکت دستها و پاهایش، تا آخر عمر باقی ماند. در این سالها از لحاظ بدنی ناتوان بود، ولی مغزش همچنان

۱. ترجمه این کتاب به فارسی به زودی منتشر خواهد شد.

فعال و پرکار باقی ماند، و مقالات چندی حاصل کار فکری او در این دوره است. مسائلی که در این دوره ذهن او را به خود مشغول می‌داشت عبارت‌اند از پیدایش زبان در کودک و یادگیری آن، مسئله جنس و جنسیت در زبان و واحد نحوی. به‌زودی دو مقاله از او در این دو موضوع اخیر منتشر خواهد شد.

مارتینه در طول سالیان زندگی علمی و دانشگاهی خود ۲۴ کتاب تألیف کرد که برخی از آنها به چندین زبان ترجمه شده است. همچنین تعداد ۲۰۰ مقاله از او منتشر شده است. مارتینه شاید اولین زبان‌شناسی باشد که خاطرات خود را در مورد زندگی شخصی، علمی و دانشگاهی خود به نام خاطرات یک زبان‌شناس (۱۹۹۳) به رشته تحریر کشیده است. در این کتاب مطالبی دست اول درباره یک نسل از زبان‌شناسان اروپایی و آمریکایی و روابطشان با خود آورده است. مطالب این مقاله عمدتاً از این کتاب گرفته شده است.

مارتینه صاحب نشان لژیون دونور از فرانسه، عضو چند فرهنگستان کشورهای عمدتاً اروپایی و دارای دکتری افتخاری از چندین دانشگاه بود.^۱

یکی از شاخصترین خصوصیات مارتینه، واقع‌گرایی او در مسائل علمی است که بارها در نوشته‌هایش به آن اشاره و آن را توجیه کرده است. در کتاب خاطرات خود در این باره چنین می‌گوید: «هرگز به دنبال ساختن الگوهایی که به خاطر زیبایی یا جسارت‌آمیز بودن خود، دیگران را جلب و جذب کنند نیستم، بلکه قصدم همیشه این است که تصویری از یک زبان ارائه بدهم که ناظر به طریقه‌ای باشد که گویشوران این زبان، برای ایجاد ارتباط در بین خویش، واقعاً از آن بهره می‌گیرند.» (مارتینه ۱۹۹۳، ص ۲۳۴). به نظر او در کار مطالعه زبانها— که در حیطه علوم انسانی است— باید به عوامل انسانی و فرهنگی که واقعیت زبان را پی می‌ریزند توجه کامل داشت، و نه اینکه دور نهایی از آنها ترسیم کرد که صبغه علوم خالص را داشته و با واقعیت‌های زبانی در تعارض باشد.

باعث تعجب نیست که واقع‌گرایی و نقش‌گرایی مارتینه متقابلاً مکمل یکدیگر باشند. مسئله «نقش» در زبان که او آن را دستاورد سنت واج‌شناسی مکتب پراگ می‌داند، در واقع پاسخ به این سؤال است که: «نقش زبان چیست؟» و پاسخ او هم روشن است: «تفهیم و تفهم و ایجاد ارتباط بین گویشوران». و این همان چیزی است که، همچنان‌که در بالا گفتیم، مارتینه در مطالعه زبانها به دنبال دست یافتن به چگونگی آن است. «هنگامی که کوشش می‌کنیم ببینیم که کارکرد

۱. مارتینه تعدادی شاگرد ایرانی نیز داشته است که از میان آنها می‌توان از علی اشرف صادقی، مرتضی محمودیان، هرمز میلانین، ابوالحسن نجفی و نگارنده نام برد.

یا نقش زبان چیست و چگونه یک زبان تغییر می‌کند تا خود را با تحول جامعه هماهنگ کند، به این نتیجه می‌رسیم که این نقش عمدتاً تأمین احتیاجات ارتباطی انسان است... در سراسر جهان می‌توان زبان‌شناسانی را یافت - که به‌طور آگاه یا ناآگاه - نقش‌گرا هستند و «انجمن بین‌المللی زبان‌شناسی نقش‌گرا» را بدین منظور تأسیس کردیم که این زبان‌شناسان با یکدیگر مرتبط باشند و حاصل پژوهش‌های خود را به یکدیگر انتقال دهند» (مارتینه ۱۹۹۳، ص ۱۴۰-۱۳۹).

همچنان‌که گفتیم مارتینه زبان‌شناسی را با واج‌شناسی و کمی بعد از انتشار کتاب اصول واج‌شناسی تروبتسکوی آغاز کرد. از ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۸ مارتینه با تروبتسکوی، چه به‌وسیله‌نامه و چه رو در رو، در ارتباط بود. رساله‌مکمل دکتریش، که آن‌را در همین مدت تدوین کرد، درباره «واج‌شناسی واژه در زبان دانمارکی» است که اولین توصیف واج‌شناختی مفصل از یک زبان به‌شمار می‌آید (مونن ۱۹۷۲، ص ۱۵۵). به‌گفته‌ژرژ مونن، زبان‌شناس فرانسوی، مارتینه در واج‌شناسی بهترین و امین‌ترین ادامه‌دهنده راه تروبتسکوی است که کار او را تکمیل و گاهی تصحیح کرده است، مثلاً در مورد «واج شامل» یا «خنثی شدگی» و غیره. اما نوآوری او به واج‌شناسی هم‌زمانی محدود نمی‌شود، بلکه او را کامل‌ترین نظریه‌پرداز و خیره در واج‌شناسی در زمانی می‌دانند (مونن ۱۹۷۲، ص ۱۵۸). در واقع در کتاب اقتصاد تحولات آوایی، مارتینه با وضوح کامل و با کمک گرفتن از زبان‌های مختلف علت اصلی تحول عناصر زبان (واژه، تکواژ، واج و غیره) را بیان و تشریح می‌کند: از یک طرف احتیاج به تفهیم و تفهم و ارضای نیازهای ارتباطی، و از طرف دیگر رخوت اندام‌های گفتار و عدم تقارن آنها. این دو پدیده پیوسته در زبان در حال نزاع‌اند، و آنچه از این جدال دائم نتیجه می‌شود اقتصاد زبان را تشکیل می‌دهد و تحولات زبانی را پی‌می‌ریزد.

مارتینه از اینکه برخی او را تنها به‌عنوان واج‌شناس می‌شناسند و نوآوری‌های او را فقط به این رشته منحصر می‌دانند اظهار تأسف می‌کند و می‌گوید: «البته من کارم را با واج‌شناسی آغاز کردم، ولی بعد از سال ۱۹۵۶ دیگر به این مسئله نپرداختم... اقتصاد تحولات آوایی را در ۱۹۵۴ نوشته‌ام... عمده‌تعالیم من پیرامون: تقطیع دوگانه زبان، مسائل مربوط به تجزیه تکواژ، صرف و نحو و *axiologie* بوده است» (مارتینه ۱۹۹۳، ص ۲۴۵). مارتینه دید کامل خود را از مسائل مربوط به زبان‌شناسی عمومی در کتاب‌های مبانی زبان‌شناسی عمومی و دیدگاهی کارکردی از زبان ارائه داده است. همچنین بر اساس کارکردگرایی فرضیه‌ای بسیار منسجم در نحو فراهم آورد که در کتاب دستور زبان کارکردی آن‌را به‌کار گرفته و سپس نظریه حاکم بر آن‌را در کتاب نحو عمومی آورده است. علاقه او به مطالعات تطبیقی که به‌خصوص در جوانی به آنها می‌پرداخته

باعث شد که در سال ۱۹۸۷ کتاب از علفزارها تا اقیانوسها را منتشر کند که در آن با دیدی پویا، زبانهای هند و اروپایی و صورتهای مختلفی را که این زبانها به خود گرفته‌اند مورد مطالعه قرار داده است.

مارتینه عقیده دارد که زبان‌شناسی علمی مستقل است و نباید از دریچه علوم دیگر به آن نگریست. در کتاب اقتصاد تحولات آوایی در این باره چنین می‌گوید: «نباید روی پدیده‌ها برچسبهای مشخص زد، بلکه مهم آن است که فرایندها را مشاهده و تفسیر کنیم...» البته ممکن است کسانی وسوسه شوند که با استفاده از چند کلمه فاخر، خود را به یک جریان فکری مهم منسوب کنند و یا با کاربرد چند فرمول ریاضی، صحت و دقت استدلالهای خود را نشان دهند. اما زمان آن رسیده که زبان‌شناسان از استقلال رشته خود آگاه شوند و خود را از این عقده حقارت که آنها را وادار می‌کند که مطالعات خود را به یکی از مکاتب فلسفی مهم نسبت دهند برهانند. این چنین برخورد نه تنها باعث نمی‌شود که حدود واقعیت مشخصتر گردد، بلکه آن را محوتر هم خواهد کرد» (مارتینه ۱۹۵۵، ص ۱۸). به خاطر این طرز فکر مارتینه تمام یا بخشی از نظرات زبان‌شناسانی چون یلمسلف (که مارتینه تقطیع دوگانه زبان را در تعارض با نظریه گلوسماتیک او پی‌ریزی کرد)، گوستاویوم، یاکوبسون و چامسکی و غیره را قبول نکرد.

مارتینه به چامسکی و نظریه گشتاری - زایشی او به هیچ وجه اعتقاد نداشت و آنرا علاوه بر اینکه به خاطر دیدگاه مبتنی بر پیش‌انگاریهای روان‌شناختی (مثلاً پیش‌انگاری مادرزادی بودن قوه ناطقه که اظهارنظر درباره آنرا مارتینه کار زبان‌شناس نمی‌داند)، ریاضی و منطقی و غیره اش رد می‌کرد، آنرا دستاوردی نو برای زبان‌شناسی نمی‌دانست: «در مورد نظر زایشی گرایان مبنی بر اینکه یک توصیف زبان‌شناختی صحیح از یک زبان باید به نحوی باشد که امکان ساختن تمام جملات ممکن الوقوع در این زبان را بدهد هیچ‌کس منتظر ظهور زایشی‌گرایان نشده بود، و قبل از آنها دیگران این مسئله را پیش کشیده بودند و به لزوم آن معتقد بودند» (مارتینه ۱۹۹۳، ص ۶۹). در جای دیگر درباره این نظریه چنین می‌گوید: «در واقع مقاومت در برابر زایشی‌گرایی از ناحیه زبان‌شناسان واقعی بروز کرده است، افرادی که تجربه‌ای در مورد مسائل مربوط به زبان و گوناگونی آن دارند، افرادی که معتقدند ساختهای زبانی، بی‌نهایت گوناگونتر از آن است که چامسکی می‌گوید. متأسفانه چامسکی براساس یک پیش‌انگاری که نتیجه تجربه زبانی شخصی بسیار محدود اوست چنین می‌گوید» (مارتینه ۱۹۹۳، ص ۳۰۵). برای نشان دادن تأثیرناپذیری خود و نظریه‌اش در مقابل زبان‌شناسی پرداخته چامسکی که مریدان فراوانی

یافت، مارتینه در پسگفتار سومین چاپ کتاب مبانی زبان‌شناسی عمومی چنین می‌آورد: «ظهور و نشر زبان‌شناسی گشتاری-زایشی که فرضیه‌هایش در تقابل با توزیع‌گرایی بلومفیلدی و در تضاد کامل با زبان‌شناسی نقش‌گراست به هیچ‌وجه گسترش نظرات و روش‌شناسی‌ای را که در اولین چاپ‌های این کتاب در نطفه وجود داشت متوقف و یا حتی آهسته نکرده است» (مارتینه ۱۹۷۰، ص ۲۰۸).

مارتینه خود را در بسیاری موارد معتقد به نظرات سوسور می‌داند و علت آن را چنین بیان می‌کند: «چون وقتی که دانشجو بودم استادانی فرانسوی داشتم، و یا کتاب‌هایی مانند زبان و اندریس یا برخی نوشته‌های میه را خوانده بودم که همه در خط سوسور بودند. اما کتاب دورهٔ زبان‌شناسی عمومی سوسور را هنگامی به‌طور کامل خواندم که قبلاً عمیقاً تحت تأثیر یسپرسن و کتاب او مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی... قرار گرفته بودم... بنابراین، اطلاعات من از زبان‌شناسی قبل از اینکه مستقیماً نظرات سوسور را بشناسم بسیار گسترده بود، و شاید جالب‌توجه باشد که ببینیم من تا چه حد اصول او را قبول یا رد کرده‌ام... قبل از اینکه کتاب سوسور یا میه را بخوانم به این اصل که زبان دستگاهی است که همهٔ عناصر آن با یکدیگر در ارتباط‌اند- و در واقع میه آن را برای نخستین بار ابراز کرده است- کاملاً معتقد بودم» (مارتینه ۱۹۹۳، ص ۲۹۶-۲۹۴). بارها گفته شده که مارتینه در میان زبان‌شناسان وفادارترین مرید سوسور بوده است، ولی به نظرات سوسور در خارج از مطالب کتابش، دورهٔ زبان‌شناسی عمومی، اعتقاد دارد، زیرا به این نتیجه رسیده بوده است که شاگردان سوسور که این کتاب را تصحیح و منتشر کردند کاملاً تحت تأثیر جو آرمان‌گرایی آن دوره بوده‌اند. در مقدمهٔ چاپ سوم کتاب مبانی زبان‌شناسی عمومی مارتینه در همین زمینه چنین می‌گوید: «از بعد از انتشار کتاب دورهٔ زبان‌شناسی عمومی اثر فردیناند دوسوسور که در آن تجزیه و تحلیل در زمانی را به‌عنوان اولین و اساسی‌ترین گام زبان‌شناس می‌داند دیگر در مشروعیت رشتهٔ کاملاً مستقلی به‌نام زبان‌شناسی عمومی هیچ شکی وجود ندارد. با این حال باید افزود که تعلیمات سوسور تنها در آنجا پر بار بوده که به جوانه‌های دیگری پیوند خورده است. جریانات مختلف ساختگرا مجبور شدند که فوراً یا پس از تردیدهایی برخی افکار کهنه را از آن حذف کنند» (مارتینه ۱۹۷۰، ص ۳).

ژرژ مونن یکی از خصوصیات شخصیت علمی مارتینه را این می‌داند که به تمام فرضیه‌های موجود پرداختهٔ زبان‌شناسان معاصر-البته به‌غیر از نظریهٔ گشتاری-م‌زایشی-توجه عمیق و شناخت کامل دارد، و به‌موقع سعی در شناساندن و رواج آنها کرده است: «مارتینه زبان‌شناسی است که در فرانسه ارثیهٔ نظری واقعی سوسور را پذیرا شده است... قبل از او زبان‌شناسانی

مانند امیل بنونیست به این ارثیه آن‌طور که باید و شاید ارجح نهاده بودند، یا دیگرانی مانند بالی (Bally) و سیشه‌هه (Sechehaye) آن‌را در آثار خود به‌طور دقیق ارائه نکرده بودند. مارتینه همچنین پیوسته دیگران را به مطالعه نظریه سپرسن — که از سال ۱۹۳۰ غنای آن‌را درک کرده بود — ترغیب می‌کرد و نیز می‌دانیم که از سال ۱۹۳۴ به بعد تروبتسکوی و واج‌شناسی را در فرانسه شناساند ... همچنین با مقاله‌ای که درباره نظرات یلمسلف نوشت او را به زبان‌شناسان فرانسوی و کشورهای دیگر معرفی کرد ... پس از بازگشت از آمریکا مارتینه زبان‌شناسان جوان فرانسوی را با آثار دانشمندانی مانند سایبر، بلومفیلد، هریس، جوز، هاکت، گلیسون و پایک آشنا کرد» (مونن ۱۹۷۲، ص ۱۶۲-۱۶۱).

در اینجا با آوردن واقعه زیر به این نوشته پایان می‌دهیم. مارتینه در کتاب خاطرات خود، هنگامی که از روابط خویش با بنونیست سخن می‌گوید، واقعه زیر را نقل کرده است: در یکی از جلسات «انجمن زبان‌شناسی» در پاریس، یک دانشجوی آمریکایی بلند شد و اظهار کرد: «مارتینه، بزرگترین زبان‌شناس فرانسه گفته است که ...» بلافاصله بنونیست از جای خود برخاست و گفت: «بزرگترین زبان‌شناس فرانسه منم» (مارتینه ۱۹۹۳، ص ۸۳). پس از انتشار کتاب خاطرات، به دلیل نقل این واقعه و احتمالاً گفتن اینکه زبان‌شناسانی مانند یاکوبسون، چامسکی، بنونیست و غیره یهودی هستند، افرادی در فرانسه مارتینه را به داشتن احساسات ضدیهود متهم کردند و سر و صدایی به راه انداختند، اما شاگردان مارتینه از تمام کشورهای جهان نامه‌هایی در حمایت از او و رد اتهام از او به فرانسه فرستادند و غائله ظاهراً پایان یافت.

کتابنامه

- Lehichy, G., 1969, *La linguistique structurale*, Paris, payot.
Martinet, A., 1955, *Économie des changements phonétiques*, Berne, Editions A. Franche.
Martinet, A., 1970, *Éléments de linguistique générale*, Paris, Armand Colin.
Martinet, A., 1993, *Mémoires d'un linguiste*, Paris, Quai Voltaire.
Maunin, Georges, 1972, *La linguistique du XXe siècle*, Paris, PUF.